



تعامل خانه و شهر

The Mutual Relationship between the House & the City

بررسی جایگاه شهر در روند شکل گیری خانه _ نمونه
موردی شهر اردستان

Studying the order of the city in the process of the house configuration _ The city of Ardistan as an example

اباصلت عسکری رابری

Abasalt Askari Rabouri

کارشناسی ارشد معماری

دانشجو دانشگاه هنر تهران

Master of Architecture

The student of the Art University of Tehran

تاریخ : ۱۰ بهمن ۱۳۸۴

Date : January 30th, 2006



عنوان مقاله :

تعامل خانه و شهر

موضوع مقاله :

بررسی جایگاه شهر در روند شکل گیری خانه _ نمونه موردی شهر اردستان

نگارنده :

اباصلت عسکری رابری

واژه های کلیدی :

خانه ، شهر ، کویر ، معماری ، شهرسازی

چکیده مقاله :

روند زندگی در خانه های سنتی ایران ، دارای روح و حیات است . در حقیقت فرهنگ و خصوصیات روانی جمعیت استفاده کننده ، عاملی موثر در طراحی محیط مصنوع است . محیط مصنوع الگوی خود را از شرایط فرهنگی پیرامون می گیرد، لذا محله بندی ها ، توسعه و طراحی معابر ، فضاهای محله ای و بین محله ای علاوه بر شرایط طبیعی ، معیشتی، بر اساس اعتقادات ، سنتها ، فرهنگها و قومیتها استوار شده است . در اینجا سعی شده تا نسبت بین خانه و شهر بعنوان بستر و زمینه (فرهنگی، سنتی، اعتقادی و) بررسی شود. بررسی انجام شده در دو بخش آمده است .

بخش اول به بستر و زمینه تاریخی شهرکویری اردستان پرداخته ، به طوری که شکل گیری شهر و تعامل خانه با شهر پی گرفته شده در نهایت هماهنگی کامل با بوم منتج شده است .

بخش دوم به تغییر مفهوم خانه و شهر در اردستان پرداخته و عوامل ماهوی و ساختاری این تغییرات بررسی شده است . پیگیری این مبحث با تغییر نگرش مردم به زندگی و عدم هماهنگی ساختار شهر اردستان با وضعیت فعلی به پایان رسیده است .

از تمامی بحثهای ارایه شده در این مقاله آنچه حاصل شده به شرح زیر می باشد :

خانه جزئی از یک شهر بوده و هنگامی که کلیت شهر در هماهنگی کامل با خانه باشد ، خانه مفهوم واقعی خود را پیدا خواهد کرد . بنابراین اگر، خانه امروزی در شهر امروزی جوابگو نیست ، به علت ساختار شهر در جامعه امروز می باشد و به همین علت ، خانه دیروز در شهر دیروز پاسخگو بوده است . لذا ظهور مناسب هر کدام ، در شهرهایی که متناسب با آن نیستند ، امکان پذیر نمی باشد .

درجه تحصیلات :

کارشناسی ارشد معماری

سمت :

دانشجو دانشگاه هنر تهران

آدرس :

تهران _ کرج _ دانشگاه هنر _ دانشکده معماری و شهر سازی

پست الکترونیک :



شاید بارزترین نمود عینی از معماری هر دوران خانه باشد که انعکاس افکار و حیات زمانه حاکم بر آن دوران است ، لذا بررسی خانه ، همواره نمایشگر تحولات جاری در جامعه شکل دهنده آن می باشد . این مقاله با بررسی جایگاه شهر در شکل گیری خانه ، سعی در مشخص نمودن رابطه متقابل شهر و خانه دارد . پرسش اصلی که در این مقاله پیگیری شده ، نسبت میان شهر و خانه می باشد و پاسخ گویی به آن ، پرسش های دیگری را مطرح ساخته که از آن جمله ، دلایل ماهوی تغییرات بنیادی در شکل گیری شهر و خانه چیست ؟ یا به چه علت تمایل مردم به زندگی در خانه های جدید بیشتر است؟ و یا چرا خانه های قدیمی جوابگوی شهر های امروزی نیست ؟ و

برای پاسخگویی به این سوال ها و ملموس شدن مباحثی که در پی آمده ، یکی از شهرهای قدیمی ایران به عنوان نمونه موردی انتخاب شده و در قالب این شهر ، به سوال ها پاسخ داده شده است . شهر مورد نظر اردستان بوده که سابقه طولانی در تاریخ کشور ما دارد . لذا مباحث مربوطه ، در قالب تصویری از این شهر، بررسی خواهند شد .



این تصویر گویای نکات بسیاری در مورد وضعیت معماری و شهرسازی ایران است . مهمان ناخوانده ای که سر زده وارد شده و قصد تملک خانه را دارد . سوال های مطرح شده در چارچوب این تصویر و زمینه آن بررسی شده ، لذا مقاله مورد نظر در دو بخش آورده شده است.

بخش اول به بستر و زمینه تاریخی شهر اردستان پرداخته که به نوعی ، توضیح نیمی از تصویر است . در این بخش به معرفی اردستان ، شکل گیری شهر اردستان و تعامل خانه و شهر در آن پرداخته شده است . در این شهر مشخص شده که چگونه خانه مفهوم خود را در بستر شهر پیدا کرده و در تعامل سازنده ای با شهر بسر می برد . این تعامل به گونه ایست که نیازهای ساکنان را جواب داده و کالبدی هماهنگ با بوم بوجود آورده است .

بخش دوم به بررسی علل ماهوی و ساختاری ورود مهمان ناخوانده (نیمه دیگر تصویر) پرداخته شده است . در این بخش ، عوامل ماهوی و ساختاری تغییر مفهوم خانه و شهر در اردستان بررسی شده و شروع تغییرات ، ماهیت تغییرات و عوامل ساختاری تغییرات پی گرفته شده است . این بخش نشان داده ، خانه های جدید که متناسب با نیازهای جامعه امروز بوده ، در بافت قدیم اردستان تبلوری نامیمون پیدا کرده و خانه های قدیمی بافت نیز با وضعیت جدید هماهنگی نداشته ، لذا تضاد شدیدی در ساختار و کالبد بافت قدیم شهر اردستان حادث شده است . در انتهای این پژوهش ، نتیجه گیری کلی مباحث مطرح شده ، آمده است . طبق این نتیجه گیری ، هماهنگی کالبد با بوم و شرایط فعلی جامعه ، باعث بوجود آمدن، شهری ، متناسب با نیازهای امروزی مردم اردستان است .

بررسی زمینه و بستر شهر کویری اردستان

موقعیت جغرافیایی اردستان

شهر اردستان در ۳۳ درجه و ۲۲ دقیقه عرض شمالی و ۵۲ درجه و ۳۷ درجه طول شرقی از نصف النهار گرینویچ قرار داشته، از طرف شمال به بیابانهای کویری، از طرف جنوب به برخوار و کوهپایه اصفهان، از مشرق به نائین و انارک و از مغرب به شهرستانهای کاشان و نطنز محدود می شود.^۱

شکل گیری شهر اردستان

"قنات ارونه" اساسی ترین عامل بنای شهر در نقطه فعلی می باشد، بنابراین عامل عمده اقتصادی، کشاورزی، تحت تاثیر این قنات شکل گرفته است. از عوامل تاثیر گذار در شکل گیری شهر اردستان پدیده های طبیعی (تبدیل دریاچه نمک به کویر) که در شهر قبلی رخ داده و باعث جابجایی به مکان فعلی گشته است.



قنات ارونه

از آنجایی که پادشاهان ساسانی همواره در پی محو آثار اشکانیان، تغییر نام و موضع شهرها بوده اند و نام خود را بر شهرهای که سازنده آن بودند می گذاردند، لذا اردشیر بابکان در این شهر آتشکده ای بزرگ بر پا می کند.^۲ بنابراین این عامل سیاسی _ مذهبی نیز در شکل گیری شهر فعلی موثر بوده است.

تعامل خانه و شهر در اردستان

خانه محل سکون آرامش و راحتی است و استفاده کنندگان به آن تعلق خاطر دارند. این آرامش و سکون حاکم در خانه های سنتی باعث شده تا در پناه آن خانواده ها به تربیت فرزندان خود پرداخته، رفع خستگی ناشی از کار و فعالیت، تداوم سینه به سینه فرهنگها و پیشینه تاریخی را به همراه داشته باشد.

این اتفاقی است که در خانه های قدیم اردستان افتاده است. خانه های اردستان به دور از تفاخر و به رخ کشیدن خود کامگی صاحبان آن، با کمال فروتنی و احترام به پیرامون خود، در ارتباط با سایر فضاهای شهری می باشد.

۱- سازمان جغرافیایی ارتش جمهوری اسلامی ایران: استان اصفهان، جلد ۶۰، ص ۶

۲- هاشمی، احسان الله: "اردستان"; در کتاب شهرهای ایران، جلد چهار، به کوشش محمد یوسف کیانی، تهران، جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۶، ص ۲۹۱



ترکیب فضای بسته نیمه بسته و باز در خانه های اردستان

همچنین خانه های اردستان در ارتباط مستقیم با باغهای اطراف خود هستند . لذا بافت اردستان ترکیبی از فضاهای بسته ، نیمه بسته و باز می باشد .

به علت اعتدال هوا در اردستان به کارگیری تدابیر معمارانه همچون بافتهای کویری احساس نشده است ، لذا معماری آن خشتی بوده و عناصر استفاده شده در آن تاحدودی تعدیل شده است .



تدابیر معمارانه بافتهای کویری درخانه های اردستان تاحدودی تعدیل شده است

نقض سطوح به هم فشرده بافتهای کویری ، نداشتن بادگیر و حیاطهای مرکزی چهار طرفه متراکم و همچنین داشتن روزنه های روبه بیرون (بیشتر به باغ) از ویژگی های بافت تاریخی اردستان می باشد که در نتیجه خانه های اردستان نیز از این شرایط برخوردار می باشد .

پیوند مستقیم خانه های قدیمی اردستان با طبیعت بسیار ملموس تر از سایر بافتهای کویری ایران می باشد لذا این ویژگی باعث به وجود آمدن نوعی سازماندهی خاص در شهر اردستان شده ، بطوری که کاملاً قابل تشخیص از سایر بافتهای کویری می باشد .

تاثیر شهر در شکلی گیری خانه

انسان موجودی است اجتماعی، لذا نمی تواند بدون دیگران به زندگی خود ادامه دهد. از جهتی یکجا نشینی احکامی را برای انسان به وجود می آورد که برای ادامه زندگی در آن مجموعه، رعایت آن الزامی است. این احکام به نوعی قراردادی اند، یعنی کسانی که می خواهند جمعی داشته باشند و حول آن شکل بگیرند، ملزم به رعایت آن احکام هستند. از نظر کالبدی احکامی وجود دارد که به مرور زمان حاصل شده است. این اتفاق در اردستان به صورت ملموسی رخ داده است به طوری که معماری آن، در هماهنگی کامل با بوم بوده و تمهیدات لازم در جهت آسایش ساکنین اندیشیده شده است. شهر فعلی اردستان به دوره ساسانیان بر می گردد و از آنجائی که آب نقش اساسی در این شهرها داشته است. از این رو، جایی که آب نبوده، شهری هم به وجود نیامده، بنابراین مبنای این شهر به خاطر وجود قناتهای فراوان است.



مسیر حرکت آب عامل توزیع فضایی در شهر اردستان می باشد

رشته های قنات عامل توزیع فضایی در شهر اردستان می باشد. این شهر به شش محله قدیمی تقسیم شده که در حقیقت این محله ها مظهر قناتها بوده، فضاهای شهری حول آن شکل گرفته اند. آنچه از نقشه شهر اردستان بر می آید هماهنگی کامل شهر با مسیرهای قنات بوده، محله ها و مراکز آن، طی حرکتی ارگانیک پا به پای مسیر قنات بوجود آمده و شکل گرفته اند. مظهر قناتها و مسیرهای آن در شش نقطه شهر بوده، بنا براین شهر به شش قسمت تقسیم شده و فواصلی که میان این شش مرکز به وجود آمده به وسیله باغها پر شده است. هر مرکز از این مراکز، از طریق مسیر هایی به هم وصل شده اند که از میان باغات می گذرد، بنابراین الگویی کاملا متمایز از نظر شهری با سایر شهرهای ایران (حتی به لحاظ هندسی) دارد. این ساختار، تمامی اجزای شهر را در برگرفته و خانه ها نیز (بافت مسکونی) هماهنگ با بافت پیرامون و احکام کالبدی شهر می باشد.

آنچه خانه را خانه می کند بر آوردن نیاز های انسانی است و این مهم زمانی اتفاق می افتد که خانه در تعامل مناسب با بستر و زمینه آن یعنی شهر باشد. این نکته به خوبی در طرح محله های مسکونی اردستان مشخص می باشد. این محله ها، در عین تفکر برای سکونت یک خانواده به طور مستقل، صحبت از یک خانواده بزرگتر می کنند.



نمود کالبدی تفکر فردی و جمعی در زندگی اجتماعی مردم اردستان

در این مورد، سلسله مراتب خانواده، همسایگان، کوچه، کوی، محله و شهر وجود دارد. طراحی محیط به تبعیت از این تفکر راه به جایی می برد که در طرح یک خانه، فضای خصوصی و در طرح دیگر فضاها، حفظ شرایط اجتماعی، فرهنگی، و یکپارچگی فضای اجتماعی مطرح می شود. نقش عوامل اجتماعی و فرهنگی را نه تنها در طرح محله های مسکونی، بلکه در کل و جز فضاهای اردستان (بازار، حمام، مرکز محله و فضاها بین آنها) می توان مشاهده کرد. بطور کلی هنگامی که یک کل تعیین شده باشد اجزا نیز تابعی از آن می گردند. بنابر این، خانه زیر مجموعه و جزئی از شهر بوده لذا در تعامل کامل با کلیت (شهر) می باشد.

بررسی عوامل ماهوی و ساختاری تغییر مفهوم خانه و شهر در اردستان

شروع تغییرات

شهرها برای استمرار حیات خود علاوه بر موقعیت مناسب به شرایط مساعد طبیعی، ارتباط فرهنگی و اجتماعی و حیات اقتصادی نیاز دارند. شهرهای قدیمی ایران در ارتباط با عوامل طبیعی، خود را به نحوی با محیط تطبیق داده اند که گویی بخشی از محیط هستند.



تطبیق بافت قدیم با محیط پیرامون در اردستان

همچنین از نظر اجتماعی و فرهنگی کاملاً با هم منطبق می باشند. در این شهرها مردم دارای یک زندگی فردی (خانوادگی) و یک زندگی جمعی (اجتماعی) اند. ارتباط اجتماعی در یک فضای همسایگی (محله) از ویژگی های زندگی در شهر است. از این رو، مهمترین عامل در شهرسازی ایران بسط و انسجام محیط اجتماعی، فرهنگی و روابط محله ای است، ولی آنچه امروز مشاهده می شود، گویای سخنی دیگر است.

" وجود مشکلات در شهرهای امروز بدان معنی است که شاید صنعت و پدیده های صنعتی بین انسان و طبیعت او جدایی افکنده باشد. اگر چه صنعت در نواحی مختلف دنیا نتایج مثبتی را به همراه داشته ولی این امر در کشورهای در حال توسعه همچون ایران موجب بروز عوارض شده که به گونه ای کاملاً متفاوت با کشورهای توسعه یافته قد برافراشته است"^۱.

ماهیت تغییرات

از جمله دلایلی که باعث بوجود آمدن تغییرات اساسی در شهر اردستان شده، دستاوردهای ناشی از ورود فن آوری جدید است. درحقیقت ورود فن آوری و پذیرفتن آن از طرف مردم به عنوان بهترین گزینه از مهمترین دلایل تغییر ماهیت خانه و شهر در اردستان می باشد. بنابر این دستاوردهای حاصل از ورود فن آوری به شهر در روند این تغییرات موثر واقع شده است.

از جمله تاثیراتی که ورود فن آوری در اردستان بر پیکر شهر بجای گذاشته، تغییر نگرش مردم به زندگی می باشد. از نگاه شهروند امروزی سرعت حرف اول را در زندگی می زند و این که بتواند در عصر ارتباطات به راحتی دسترسی همه جانبه به آنچه در پیرامون خود می گذرد داشته باشد. لذا وقتی می بیند، کالبدی که در آن قرار گرفته، این امکان را به او نمی دهد، دست به تغییر و یا حتی تخریب آن زده، آن گونه که متناسب با نیاز خود بوده، شکل می دهد.

تاثیر دیگر ورود فن آوری، تجدد طلبی می باشد. این وضعیت حتی در ابعاد زیبا شناسانه اجتماع تاثیر گذاشته، به طوری که زندگی در فضای سنتی را نوعی عقب ماندگی دانسته، لذا سعی در متجدد نشان دادن خود می کنند. از این رو است که نمای سنگ گرانیت با شیشه های رفلکس به نمای کاهگلی (که ریشه در بوم دارد) ترجیح داده می شود و نوعی تفاخر را، به همراه دارد.



تقابل دیروز و امروز

عامل موثر دیگر در این روند ، سیاست گذاری های غلط می باشد . در دوره پهلوی سیاست گذاری ها در جهت رواج تجدد بسیار رایج تر بوده و اولین ضربات بر پیکره بافتهای تاریخی ، در این دوره وارد شده است . این روند ، ریشه در دوره های قبل از خود دارد.

۱_ شیعه ، اسماعیل : "با شهر ومنطقه در ایران" ، تهران ، مرکز انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران ، ۱۳۷۸، ص ۱۹۳ .



تخریب بافت قدیم توسط دولت _ پس از انقلاب

ورود و نفوذ تاثیر گذار غرب در ایران از دوره صفوی شروع شد ولی اوج استیصال دولت مردان ایرانی در برابر غرب به عهد قاجار بر می گردد . لذا در این دوره مقدمات تجدد وتجدد طلبی در ایران آغاز و در دوره پهلوی به اوج خود می رسد . هم زمانی حکومت پهلوی با مدرنیسم ، عامل تسریع روند تجدد طلبی در ایران شد، لذا اردستان نیز همانند هر شهر تاریخی ایران ، از این دست اندازیها مصون نماند و با شروع خیابان کشی در بافت تاریخی ، زمینه حضور معماری جدید فراهم آمد .



ادامه خیابان کشی ها و تخریب بافت

عامل مهم دیگری که در این تغییرات موثر بوده وهست ، معماران وشهرسازان می باشد . این دسته از افراد جامعه ، به عنوان متخصصان این عرصه ، سهم بسزایی در روند تغییرات دارند . این قشر که در ابتدا ، تحصیل کردگان فرنگ بودند ، تحت تاثیر معماری و شهر سازی غرب قرار گرفته ، عاملی برای ترویج تغییرات در جامعه شده اند . متأسفانه امروزه نیز با گذشت چند دهه از شروع تغییرات ، در ماهیت و محتوای معماری و شهرسازی ایران ، هنوز به نتیجه قاطع ، کارا ومشخص نرسیده اند و نتوانسته اند نتایج معماری گذشته خود را حفظ کرده ، فن آوری را به خدمت گرفته و به زبان امروز بیان کنند . بحران بی هویتی در معماری ایران ونبود افرادی که بتوانند به این چالش خاتمه دهند ، بسیار احساس می شود .



بدون شرح !؟

شاید اصلی ترین دلیل این تغییرات ، نبود جایگزینی مناسب و متناسب با روحیات زمانه امروز بوده و پیدا کردن جایگزین مناسب به عهده این قشر از جامعه می باشد .
به نظر می رسد ، آنچه امروز در مراکز دانشگاهی و محافل تخصصی معماری ما میگذرد(به دلیل عدم تولید علم ، نشناختن روح معماری ایرانی ، مصرف گرایی علمی ، تقلید و کپی برداری، سعی در فهماندن چیزی که خود نفهمیده اند ، و غیره) نمی تواند پاسخی برای این بحران باشد. بنابراین تغییرات اساسی در این چرخه فرسایشی مورد نیاز می باشد .

عوامل ساختاری

از مهمترین عوامل ساختاری ، عدم هماهنگی بافت قدیم با دست آورهای فن آوری و به ویژه ماشین است .



عدم هماهنگی کالبد خانه های قدیمی اردستان با دستاوردهای حاصل از فن آوری

ماشین ، عامل اصلی شروع تغییرات ، در ساختار بافت می باشد . در جهانی که سرعت حرف اول را می زند ، لاجرم آوردن این پدیده به درون زندگی از اهمیت ویژه ای برخوردار می باشد ، بنابراین دست به تغییرات ساختاری در خانه وشهر زده ، آن رامتناسب با وضعیت فعلی خود در می آورد .

پیامد دیگری که به خاطر وجود ماشین حاصل می شود ، حذف سلسله مراتب دسترسی موجود در شهر می باشد . بنابراین شهروند دیگر نمی خواهد برای رسیدن به مقصد ، از کوچه ، گذر ، کوی ، محله و غیره عبور کند ، تا در کمترین زمان ممکن ، به مکان مورد نظر خود برسد .

عامل موثر دیگر در این تغییرات ، افزایش جمعیت می باشد . بنابراین محدوده بافت قدیم و خانه های آن ، جوابگوی نیاز افراد نمی باشد ، لذا یا باید خانه ها خراب شود و واحدهای بزرگتری ساخته شود و یا دراطراف محدوده بافت به ساخت و ساز جدید پردازند . متأسفانه گزینه یک در اردستان بیشتر استفاده می شود و از این رو ، خانه های قدیمی تخریب شده و خانه های جدیدی روی آن ساخته می شود .



تخریب خانه های قدیمی و ساخت خانه های جدید روی آن

عامل موثر دیگر در روند این تخریب ، نبود معماران سنتی می باشد . این کمبود باعث شده که اگر کسی تمایل به زندگی در خانه های قدیمی را داشته باشد ، نتواند به خواسته خود برسد . در مورد مرمت و تعمیر خانه های قدیمی ، مشکل پابرجاست . بنابر این امکان ساخت و ساز به شیوه قبلی و نگهداری و مرمت از بناهای فعلی برای عموم مردم امکان پذیر نیست . لذا تسریع روند تخریب بافت قدیم را ممکن می سازد.



نبود معماران سنتی عامل موثر در روند تخریب خانه های قدیمی می باشد

سختی زندگی در خانه های قدیمی و مشکلات سرمایشی ، گرمایشی ، تهویه و از عوامل موثر در عدم رغبت ساکنان ، برای زندگی در این خانه ها بوده ، در نتیجه تخریب خانه های قدیمی را ممکن می شود . مردم امروزه ترجیح می دهند در جایی زندگی کنند ولو با هزینه بیشتر ، که آسایش داشته باشند و دردسری را متحمل نشوند . چون نگهداری خانه های قدیمی با مشکلات فراوان همراه می باشد .



ترک تدریجی خانه های قدیمی به علت سختی زندگی در آنها

عامل موثر دیگر در تخریب این گونه بناها که از پیامدهای ترک تدریجی بافت قدیم می باشد ، حضور افراد کم درآمد و بی بضاعت ، در بافتهای سنتی است . حضور این قشر از جامعه تاثیر بسزایی در نگاه مردم به این دسته از فضاها دارد ، لذا مردم ترجیح می دهند که در جای دیگر زندگی کنند .



حضور افراد بی بضاعت با حداقل امکانات زندگی در بافت قدیم باعث ترک تدریجی مردم از بافت قدیم شده است

نتیجه گیری:

آنچه بعنوان طرح سوال ، درمقدمه مقاله مطرح شد ، نسبت خانه با شهر بود . درطی دو بخش ، با بررسی نمونه موردی شهر اردستان ، بر آن شدیم که به این پرسش ، پاسخ دهیم .
از آنجایی که شهر، بعنوان کلیت وبستر کالبدی جامعه بوده ، خانه ، دانه بندیهای اصلی آن را تشکیل می دهد . بنابراین این شهر، حکم کل را داشته و خانه جز می باشد . همانطور که کل جامعیتی مشخص داشته ، جز در قالب آن قرار گرفته و در این حالت ، از ترکیب جز ، کل بوجود می آید .
این رابطه نسبت خانه با شهر را به صورت کلی بیان می کند . در شهر اردستان ، با توجه به عامل اصلی شکل گیری آن ، یعنی قنات ارونه ، مسیر حرکت آب ، عامل اصلی سازمان دهی فضایی می باشد .



این عامل کالبدی در کنار سایر عوامل اقتصادی، سیاسی، جغرافیایی، اجتماعی و فرهنگی در طی قرنهای متمادی به کالبد اردستان شکل داده و خانه های آن با توجه به این وضعیت شکل گرفته است. بنابراین دانه بندی های شهر اردستان، در تعامل (و نه در تقابل) با شرایط ذکر شده، بوجود آمده است.

از این طرف، دنیای صنعتی اگر چه برای هر چیز راهی یافته ولی اغلب، راه حلهای مادی مطرح کرده و عوامل نامرئی زندگی بشر که در ابعاد روانی، اجتماعی و فرهنگی مطرح می باشد، به سویی افکنده است. از این روست که در اردستان، خانه های مسکونی و محله های جدید به دور از حیات اجتماعی، تنها مانند یک سرپناه عمل می کنند. همچنین عدم سازگاری خانه های قدیمی با نیاز های امروز مردم اردستان، باعث تخریب تدریجی خانه ها شده، از آن طرف، ظهور خانه های جدید به هیچ وجه در هماهنگی با بوم نبوده و کالبد مناسبی برای زندگی، بوجود نیآورده است. در حقیقت، عدم تعلق خانه های قدیم اردستان به شهر امروزی و ناسازگاری خانه های جدید با بوم، نشان داده که هیچ یک از خانه ها با وضعیت امروز اردستان هماهنگ نمی باشند.

در نتیجه، ایجاد کالبد متناسب با شرایط فعلی اردستان، تنها راه حل وضعیت کنونی می باشد. لذا خانه های قدیمی باید توانایی هماهنگی با وضعیت جدید را پیدا کنند و خانه های جدید باید هماهنگ با بوم اردستان باشند. از تعامل این دو، شاهد شهری امروزی، با کالبدی متناسب نیاز و شرایط مردم اردستان خواهیم بود.

منابع و ماخذ

- (۱) بحرینی، حسین: "تجدد و فرا تجدد و سپس از آن در شهر سازی"، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۸.
- (۲) حبیبی، سید محسن: "از شار تاشهر"، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۸.
- (۳) حسنی، عبدالمحمد: "مسجد اردستان"; در مجله چیستا، شماره ۴۹.
- (۴) سازمان جغرافیایی ارتش جمهوری اسلامی ایران: استان اصفهان، جلد ۶۰، ص ۶.
- (۵) سلطان زاده، حسین: "فضای شهری در بافتهای تاریخی ایران"، تهران، دفتر پژوهشهای فرهنگی، ۱۳۷۲.
- (۶) شیعه، اسماعیل: "با شهر و منطقه در ایران"، تهران، مرکز انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران، ۱۳۷۸.
- (۷) مهندسان مشاور ایوان نقش جهان: "مستند سازی بافت فرهنگی _تاریخی اردستان"، تهران، ۱۳۸۴.
- (۸) هاشمی، احسان الله: "اردستان"; در کتاب شهرهای ایران، جلد چهار، به کوشش محمد یوسف کیانی، تهران، جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۶.